



امید مؤمنان، امام زمان  
علیه السلام





# اميد مؤمنان

امام زمان (عليه السلام)

مهدى قندى

قندی مهدی، ۱۳۵۴ امید مومنان امام زمان (علیه السلام)، مهدی

قندی، بهران دیار، ۱۳۸۳

ISBN 964-95626-0-5

۲۵۸ ریان

کتابخانه به صورت زیر نویس

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات مکتوب

الف عنوان

د. محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ ق

۲۹۷ ۴۵۹

BP

ب. الف

۹۵ ق. ۵۱

۲۱۳۰۶۳۱۸۳

کتابخانه ملی ایران

امید مومنان امام زمان ((علیه السلام))

مهدی قندی

انتشارات دیار

لیتوگرافی: نبأالسكرین

چاپ: شفق

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم ۱۳۸۳

ISBN 964-95626-0-5

قیمت: ۸۰۰ تومان

انتشارات دیار صندوق پستی ۱۳۴-۱۴۸۳۵

مرکز پخش: کوکب ۶۴۰۶۵۴۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم

به پیشگاه

یگانه‌ی دوران،

جان‌مایه‌ی ایمان،

امید مؤمنان،

امام زمان

که بر جان گرامیش هزاران درود و سلام باد.

فهرست:

۷ - مقدمه .....

۱۵ - فصل اول: .....

رکن و پایه‌ی مذهب ما، اعتقاد به امام زمان است.

۴۵ - فصل دوم: .....

مشخصات تاریخی زندگانی امام زمان علیه‌السلام.

۶۱ - فصل سوم: .....

کمالات و ویژگی‌های امام زمان علیه‌السلام.

۸۱ - فصل چهارم: .....

وظایف امت نسبت به امام زمان علیه‌السلام.

مقدمه

موضوع اثر

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: «هر کس بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»<sup>۱</sup> این حدیث شریف را شیعه و سنی از پیامبر خدا نقل کرده، درستی آن را تأیید کرده‌اند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - نگاه کنید به کتاب بحار الانوار، جلد ۲۳، باب ۴، وجوب معرفه الامام.

<sup>۲</sup> - نگاه کنید به کتاب شناخت امام، راه‌رهایی از مرگ جاهلی، نوشته‌ی استاد فقیه

ایمانی، صفحات ۲۵ تا ۴۲.

جناب عثمان بن سعید، وکیل امین امامان هادی و عسکری علیهما السلام و نخستین نایب امام دوازدهم علیه السلام، گوید: «نزد امام حسن عسکری بودم. از حضرتش درباره‌ی صحت حدیثی سؤال شد که از پدرانشان نقل می‌شود. در آن حدیث آمده که زمین تا روز رستاخیز از حجت الهی خالی نم‌آند، و هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت، مرده است. آن حضرت فرمود: این حدیث حقیقت دارد، همان گونه که روز روشن حقیقت دارد. به ایشان گفتند: ای زاده‌ی رسول الله! حجت خدا و امام پس از شما کیست؟ فرمود: پسر محمد، او امام و حجت پس از من است. هر که بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»<sup>۲</sup>

از ابو غانم، خادم امام عسکری علیه السلام نیز نقل شده که گفت: «برای امام عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد. امام نام وی را محمد نهاد و در روز سوّم او را به اصحاب خویش نشان داد، فرمود: این نوزاد، صاحب شما پس از من و جانشین من بر شماست. او همان قائمی است که مردم از سر انتظار به جانب او گردن کشند و چشم به راهش باشند. پس آنگاه

<sup>۲</sup> - کمال الدین، باب ۳۸، حدیث ۹.



که زمین از ظلم و جور پر شده باشد، وی قیام کند و آن را از قسط و عدل آکنده سازد.»<sup>۴</sup>

از روایات اسلامی بر می آید که بر هر مسلمان، بلکه بر هر انسانی ضروری است تا پس از آشنایی با دعوت خاتم الانبیاء این امام والامقام را بشناسد و با تمسک به او خویشتن را در پرتو هدایت الهی قرار دهد. از آنجا که نشناختن امام زمان مساوی با جاهلیت و دوری از اسلام راستین دانسته شده، بر ماست که نسبت به شناخت امام زمان خود بسیار کوشا و حساس باشیم.

نوشته‌ی حاضر با توجه به مبنای پیش گفته و جهت آشنایی با این امام والامقام نگارش یافته است، امامی که چه در دوران پنهانی‌اش و چه در عصر ظهور خویش، امید مؤمنان و پناهگاه الهی آنان است.

#### ویژگی و کاربرد نوشته‌ی حاضر

در این نوشته سعی شده که فشردگی و اجمال عبارات تا حد ممکن رعایت گردد. این ویژگی به خواننده کمک می‌کند تا به راحتی و سرعت، با عصاره‌ی تعالیم شیعی درباره امام زمان علیه السلام آشنا شود و در اثر حجم زیاد کتاب دچار

<sup>۴</sup> - کمال الدین، باب ۴۲، حدیث ۸.

سردرگمی در درک منظم موضوعات نگردد. از این رو به نظر می‌رسد که این اثر برای محققانی که دوست دارند طی متنی کوتاه و منظم با دیدگاه شیعه درباره‌ی امام زمان علیه‌السلام آشنا شوند، مفید است.

هم‌چنین با توجه به جایگاه بنیادینی که عقیده‌ی به امام زمان در مکتب شیعه دارد، این نوشته پس از انضمام مدارک و مستنداتش می‌تواند به عنوان یکی از کتب مرجع در موضوع شیعه‌شناسی مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر اجمال و فشردگی متن، کتاب را به یک متن آموزشی تبدیل کرده است. در تألیف این اثر بر هویت آموزشی آن دقت شده، و به عنوان متن درسی برای استفاده در کلاس‌ها و برنامه‌های آشنایی با امام زمان علیه‌السلام تیسر پیشنهاد می‌شود.

معلمان محترم می‌توانند با شرح و تفصیل عبارات، بیان مبانی و مستندات جملات، و دمیدن روح در کالبد کلمات این نوشته به تدریس مطالب کتاب اقدام کنند. هم‌چنین بسته به سطح علمی و آمادگی معنوی مخاطبان، اندازه و عمق توضیحات و میزان تفصیل در آرائه‌ی مستندات را تنظیم کنند.

امید است که ویرایش دیگری از این کتاب مشتمل بر مبانی و مدارک عبارات آن، در آینده عرضه گردد. ویرایش مذکور، هم به

عنوان کتاب مرجع برای آموزگاران مفید است و هم دستمایه‌ای برای محققان جهت بازشناسی مکتب شیعه و پیوند خوردن با شجره‌ی ولایت امام مهدی علیه‌السلام خواهد بود، ان شاء الله.

در فصل اول اشاره کرده‌ام که شیعه بودن چه جایگاه مهم و بی‌بدیلی در نزد خداوند و در سعادت انسان دارد. در همان فصل بیان کرده‌ام که فاصله‌ی یک انسان با شیعه شدن، در این حد است که امام زمانش را بشناسد و خود را در سایه‌ی ولایت و سرپرستی وی قرار دهد. بر این مبنا و با توجه به این نکته که ورود به معنویت شیعه چنین آسان و در گرو عقیده به امام زمان است، متن پیش رو می‌تواند بستر چنین گرایش‌های بزرگی به آئین تشیع نیز باشد.

البته من این کتاب را بدین انگیزه ننوشته‌ام که در میان پیروان دیگر مذاهب، به عنوان یک نوشته‌ی تبلیغی توزیع شود، با این حال امیدوارم که به توفیق الهی، توجه شخصی هدایت‌خواهان در گوشه و کنار عالم به این اثر یا آثار مشابه آن جلب شود و این امر موجب آشنایی ایشان با امام زمان علیه‌السلام و پیوند خوردن آنان با شجره‌ی ولایت مولا گردد.

در پایان آرزو می‌کنم که اثر حاضر به عنوان خدمتی ناچیز در دربار ملک‌پاسبانِ امام عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف مورد قبول واقع شود و به دستمایه‌ی برکتی که از جانب خداوند

تبارک نصیبت می‌شود، در زدودن غبارِ غربت از چهره‌ی این  
مولای ناشناخته مؤثر افتد، *وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ*  
*إِلَيْهِ أُنِيبُ.*

اردیبهشت ۱۳۸۳

مؤلف



فصل اول:

رکن و پایه‌ی مذهب ما،  
اعتقاد به امام زمان است.

سرآغاز

سزاوار است پیش از آشنایی با ویژگی‌های شخصی امام مهدی علیه‌السلام، به مطالبی در رابطه با مکتب شیعه و جایگاه حساس و مهمی که «امام زمان» و به تعبیر دیگر «حجت حی» در این مکتب دارد، اشاره کنیم.

الف - مذهب شیعه

”مذهب شیعه“ یکی از مذاهب مشهور اسلامی، و مکتبی شناخته شده در جهان می باشد. این مذهب دیرین، پیشینه‌ای به قدمت دین بزرگ اسلام دارد.

شیعیان بر اساس منابع معتبر معتقدند که ”شیعه بودن“ یا اصطلاحاً ”تشیع“ تنها راه مطمئن و قطعی برای بهره‌مندی از نویدها و ایمنی از تهدیدهای خداوند است. به جهت خطیر بودن مدعای شیعه، سزااست که هر انسان عاقل و سعادت‌جو درباره‌ی این مکتب دیرین تحقیق کند، از اصول آن آگاه شود و چنانچه محتوای آن را مطابق با حقیقت یافت، به آن پایبند گردد.

در مکتب شیعه، عقیده به یگانگی خداوند جل جلاله، عقیده به نبوت و خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، اعتقاد به جانشینانی الهی برای پیامبر، و به خصوص عقیده به امامت ”حجت حیّ پروردگار“، پایه و بنیان ایمان به شمار می آید. از این رو برای آشنایی با شیعه باید با مفهوم ”حجت حیّ“ یا به تعبیر دیگر ”امام زمان“ آشنا شد.

ب - معنای حجت حیّ

ما شیعیان معتقدیم که خداوند از ابتدای تاریخ بشر همواره کسانی را به عنوان نماینده‌ی زنده و برپادارنده براهین خویش

در میان مردم برگزیده و به آنان علم و عصمت و احیاناً قدرت ویژه عطا کرده است. ما معتقدیم که از زمان حضرت آدم تا قیام قیامت، هیچ‌گاه زمین از این پیشوایان عالم و معصوم خالی نبوده و نخواهد بود.

به تمام این عالمان برگزیده و معصوم در اصطلاح دین، "حجت خدا" گفته می‌شود. منظور از "حجت حی" یا "امام زمان" آن حجتی است که در یک روزگار مشخص، زنده و حاضر است.

#### پ- حجت حی، علت بقای بشر

ما معتقدیم که خداوند به برکت وجود حجت حی، نعمت‌های آسمانی و زمینی را به دیگر انسان‌ها ارزانی می‌کند و به احترام حضور او در میان مردم، عذاب و قهر خود را از گناهکاران دور می‌سازد.

ما را عقیده‌ی استوار بر این است که گناهان بشر بسیار زیاد و بسیار بزرگ است. اگر خداوند می‌خواست که ما را درباره گناهانمان عقوبت دهد، هیچ جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌ماند، اما او همواره در میان خلق خود بندگانی پاک و معصوم دارد و به واسطه محبت بی‌اندازه‌ی خود به آنان، از نزول قهر خویش بر دیگران جلوگیری می‌کند. بر این اساس، شیعه معتقد است که اگر زمین لحظه‌ای از حجت خدا (که امام



مردم از عذاب الهی است) خالی شود، اهل خویش را به قهر خواهد بلعید. به تعبیر دیگر، حجت حیّ خدا علت بقای بشر است و حق حیات بر آنها دارد.

### ت- رابطه شیعه با حجت حیّ

«شیعه» در لغت به معنای «پیرو» است و در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که پیرو حجت حیّ خدا و امام زمان خود باشد. فاصله‌ی یک انسان با شیعه شدن، در این حد است که امام زمانش را بشناسد و خود را در سایه‌ی ولایت و سرپرستی وی قرار دهد. شیعه‌ی کامل کسی است که به هر سه شکل قلبی، زبانی، و عملی با امام زمان خود پیوند داشته باشد.

رکن و پایه‌ی مذهب ما که آن را از دیگر مذاهب جهان و به خصوص مذاهب اسلامی متمایز می‌کند، همین اعتقاد به وجود حجت‌های الهی در طول تاریخ و به خصوص پیوند داشتن با حجت زنده‌ی روزگار است.

ما به خلاف دیگر مذاهب اسلامی و عموم ادیان عالم معتقدیم که هیچ‌گاه زمین از یک بنده‌ی برگزیده که دارای علم و عصمت الهی است، خالی نگشته و در هر زمان حجتی از

سلسله‌ی حجت‌های الهی به عنوان خلیفه‌ی خدا در میان بندگان حضور داشته و دارد.

در مقابل شیعه، عموم طوایف مسلمان معتقدند که پس از وفات پیامبر، دیگر کسی وجود ندارد که با عالم بالا مرتبط و از علم و عصمت الهی برخوردار باشد.

شیعه کسی است که می‌داند خداوند در هر زمان و از جمله در این لحظه، بر روی زمین حجتی زنده دارد، او این حجت حی را می‌شناسد و به امامت وی به عنوان پیشوای الهی روزگار ایمان دارد.

علت نامیده شدن مذهب ما به "مذهب شیعه" نیز به تأکید ما بر پیروی از این امام زنده و جدا نشدن از او برمی‌گردد. اهمیت شناخت امام و تمسک به او در نزد شیعه چندان مهم است که آن را می‌توان شاخص‌ترین ویژگی شیعه دانست و از این روست که مذهب شیعه را "مذهب امامیه" نیز می‌نامند.

در قرآن کریم و روایات اسلامی از مؤمنان امت‌های پیشین نیز با نام "شیعه" یاد شده است. (مثلاً کسی که در زمان حضرت موسی معتقد به پیروی از ایشان بود، شیعه‌ی موسی خوانده شده است.)

شایان ذکر است که کلمه‌ی "مؤمن" در بسیاری از آیات و روایات به جای کلمه‌ی "شیعه" به کار رفته و مصداق هر دو

کلمه کسانی اند که رشته‌ی ولایت الهی را ناگسسته می‌دانند و به جایگاه مهم پیشوای زنده‌ی الهی در مسیر عبودیت معترف می‌باشند. به عقیده‌ی شیعه هر مسلمانی مؤمن به شمار نمی‌رود و واژه‌ی مؤمن تنها بر مسلمانی اطلاق می‌شود که اولاً امام خود را بشناسد و به او معتقد باشد و ثانیاً تنها دارای ظاهر اسلامی نباشد، بلکه ایمان در قلبش نیز وارد شده باشد.

#### ث - پیشینه‌ی شیعه

ما معتقدیم حجت حیّ و امام زمان ما، وارث سلسله‌ای است که ابتدای این سلسله به آغاز تاریخ بشر برمی‌گردد. از سوی دیگر شیعه‌ی روزگار معاصر نیز، وارث افتخار تمام مؤمنان تاریخ و تمام کسانی است که هرگز از سلسله‌ی برگزیدگان خدا جدا نشدند و همواره بر میثاق عبودیت خدا و ولایت حجت او باقی ماندند.

شیعه بودن و شیعه ماندن، روشی است دیرینه و جوانمردانه، برای کسانی که در طول تاریخ و در برابر تمام فتنه‌ها و سختی‌ها، دست از پیروی و حمایت از حجت‌های معاصر خویش برنداشتند. بر این مبنا به حق می‌توان گفت که شیعه در

کلیت خویش پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد و تاریخ تشیع به دوران پس از پیامبر خاتم خلاصه نمی‌گردد.

### ج - دو دسته از حجت‌های خدا؛ پیامبران و جانشینان

ما معتقدیم حجت‌های خدا از جهت مأموریتی که دارند به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ی اول رسولان و پیامبران هستند و دسته‌ی دوم جانشینان پیامبران می‌باشند. یکی از تفاوت‌های این دو گروه برگزیده، مأموریت آنها در زمینه‌ی معرفی خویش به عنوان حجت خداست.

### ج - مأموریت پیامبران خدا و پشوانه‌ی الهی آنها

رسولان و پیامبران، بنا به رسالتی که دارند، بی‌واهمه و به دور از تقیه، به صورت علنی در جامعه ظاهر می‌شوند و مقام الهی خویش را به مردم گوشزد می‌کنند. امت خود را از اطاعت حاکمان غیر الهی پرهیز داده و به پیروی از خود دعوت می‌نمایند، و در انجام این مأموریت خطیر بنا به پشوانه‌ی محکم الهی حرکت کرده، کار خود را به انجام می‌رسانند.

رسولان نه تنها موظف به معرفی خود به عنوان حجت خدا می‌باشند، بلکه موظفند باب معرفت جانشینان خود



را نیز بر امت خود بگشایند. آنها به خصوص مأمورند که اولین وصی خویش را در زمان حیات خود به صراحت به مردم معرفی نمایند. روشن است که حق جویان می‌توانند پس از شناختن اولین وصی، با مراجعه‌ی هدایت‌جویانه به او از نام و مشخصات امام بعد آگاه شوند.

برای اینکه رسالت پیامبران به سرانجام برسد و مخالفان نتوانند راه را بر انجام مأموریت آنان ببندند، خداوند مسؤولیت اصلی حفاظت و حمایت از پیامبران را خود به عهده گرفته، و ظهور و تداوم رسالت آنان را موکول به آمادگی‌ها و حمایت‌های مردمی نکرده است. چه بسیار پیامبرانی که به سوی قوم خود آمدند، بدون آنکه مردم از آنها درخواست کرده باشند و چه بسیار شد که پیامبران از حمایت‌های کافی مردمی برخوردار نبودند، اما با پشتوانه‌ی الهی موظف به ابلاغ رسالت و موفق به انجام آن گشتند.

### ح- مأموریت جانشینان پیامبران و پشتوانه‌ی مردمی آنها

جانشینان پیامبران، بنا به مأموریت وصایت و جانشینی، موظف به معرفی مقام الهی خود نمی‌باشند. آنها به خودی خود در جامعه حاضر نمی‌شوند، مردم را به گرد خویش فرا نمی‌خوانند و آنها در برابر طاغوت‌ها نمی‌شورانند. خداوند اراده

نکرده که همواره این دسته از حجت‌هایش را با نیروهای غیبی خویش یاری کند تا بر دشمنان چیره شوند، بلکه خداوند مسؤولیت کشانیدن اوصیا به صحنه‌ی اجتماع و حمایت از آنان در مقابل دشمنان را به عهده‌ی مردم گذاشته است.

در حقیقت خداوند خواسته که مردم را با عملکردی که درباره‌ی اوصیا از خود نشان می‌دهند، بیازماید. او به واسطه‌ی پیامبران، راه شناختن اوصیا را به روی امت‌ها باز کرده و سپس آنها را موظف به شناختن اوصیا، اطاعت از آنان، تمسک به آنها و حمایت از ایشان ساخته است.

#### خ- معرفی جانشینان، رسم دیرینه‌ی پیامبران

ما معتقدیم که پیامبران در تمام امت‌های پیشین مردم را به پیروی از اوصیای خود که یعنی حجت‌های خدا پس از خود، دعوت می‌کردند. پیامبران از امت خود به ویژه برای پیروی از نخستین جانشین خویش پیمان می‌گرفتند و دست آنها را در دست وصی خویش می‌نهادند. به عنوان مثال حضرت آدم جناب شیث را به عنوان وصی خود و حجت خدا پس از خویش معرفی فرمود. حضرت موسی نیز جناب یوشع بن نون و حضرت عیسی جناب شمعون الصفا را به همین عنوان به پیروان خویش معرفی فرمودند.

د- سرنوشت امت‌ها، پس از پیامبران

همواره با درگذشت پیامبران فصل تازه‌ای از امتحان‌های الهی به روی مردم باز می‌شد.

فتنه‌جویانی که تا پیش از رحلت رسول، از مخالفت با او به جهت برخورداری‌اش از حمایت‌های الهی می‌ترسیدند، با درگذشت پیامبر از نقاط ضعف مردم جهت جدا ساختن آنها از وصی او و حجت حیّ خدا سوء استفاده‌ی کامل می‌کردند. در آن زمان مردم در بوت‌های آزمون‌های سخت قرار گرفته، سرانجام بسیاری از آنان از پیروی و حمایت وصیّ پیامبر و حجت پروردگار دست می‌شستند، و به تعبیر دیگر از شیوه‌ی شیعه بودن کناره می‌گرفتند.

نتیجه‌ی سست‌عنصری مردم، به قدرت رسیدن طاغوت‌ها و به ضعف کشیده شدن حجت‌های خدا برای سال‌های سال بود. جالب آنکه پیامبران پیش از رحلت خویش علاوه بر معرفی اوصیاء، امتحان‌های دشوار آینده، و دوران استضعاف جانشینان و شیعیان آنها را کم و بیش پیش‌گویی می‌کردند.

پس از گذشت چندی از دوران غلبه ظالمان، گاه می‌شد که مردم ستم‌کشیده و دل‌مرده، در اثر عوامل گوناگون بیدار می‌شدند، به سراغ حجت زمان خود رفته، او را به صحنه‌ی اجتماع می‌کشیدند و از برکات او بهره می‌بردند. البته این گونه

مراجعه‌های عمومی و حمایت‌های مردمی، هم کم‌شمار و هم کم‌دوام بود، و اوصیا (یعنی دسته‌ی دوم از حجت‌های الهی) اغلب در حال غربت و مظلومیت به سر می‌بردند. شدت ناامنی برای حجت‌های خدا گاه تا به حدی بود که برخی از آنان مجبور به زندگی مخفیانه و ناشناس می‌شدند و به اصطلاح، غیبت می‌گزیدند.

در ادامه باید دانست که دوران ضعف و مظلومیت بندگان صالح همیشگی نبود و پس از چندی، امدادهای الهی جهت دستیابی حجت‌ها و شیعیان ایشان به قدرت و امنیت فرا می‌رسید و فصل نوینی در تاریخ حجت‌های الهی آغاز می‌شد.

### ذ- اهل نجات، در روزگار جانشینان

در روزگار وصایت اوصیا، افراد و گروه‌های زیادی دم از انتساب به پیامبر در گذشته می‌زدند، اما در درگاه الهی تنها یکی از آن گروه‌ها پذیرفته بودند. آنها کسانی بودند که وصی پیامبر و حجت زمان خویش را می‌شناختند، خود را به اطاعت از او موظف می‌دانستند، در اصلاح امور خویش به او متمسک می‌شدند، و در حمایت و یاری از او کوتاهی نمی‌کردند.

این انسان‌های تیک‌بخت در قیامت اهل نجات خواهند بود. در آن روز که هر گروهی با امام خویش محشور می‌شود، امام آنها

یکی از بندگان مقرب و مقبول خداست. دیگران، یا به واسطه‌ی انکار حجت‌های الهی و شریک قرار دادن ناهلان با آنها، مورد غضب الهی‌اند؛ یا به جهت نشناختن حجت خدا، در زمره‌ی گمراهان به شمار می‌روند.

### ر- بشارت‌های پیامبران، درباره سرنوشت نهایی جانشینان و شیعیان آنها

خداوند اراده کرده در هر امت، پس از مهلت اندکی که به کافران و ظالمان می‌دهد، شکوه و عزت آنها را در هم شکنند و طعم تلخ خواری و ذلت را به ایشان بچشانند و بدینسان دست ستم آنان را از سر بندگان صالحش کوتاه کند. خداوند یاور بندگان و پناه آنها در ضعف و بی‌کسی است و نمی‌گذارد که گردونه‌ی روزگار همواره به کام دشمنانش بچرخد؛ خدا زمین را از آن خود می‌داند و اراده کرده که در نهایت آن را به دست بندگان صالح و باتقوایش بسپارد.

پیامبران پس از پیش‌بینی دوران‌های سخت که پیش روی اوصیا و شیعیان آنها بود، بشارت موقتی بودن حکومت ظالمان را، به امت ابلاغ می‌کردند. آنها به امت خود نوید آمدن حجت موعودی را می‌دادند که از حمایت‌ها و یاری‌های الهی برخوردار است. این حجت موعود، معمولاً رسول آینده بود. مثلاً حضرت نوح در اواخر عمر خویش جناب سام را به عنوان وصی خویش به مردم معرفی کرد. سپس از مشکلاتی که برای جناب سام و

حجت‌های پس از او و نیز برای شیعیان آنها پدید می‌آمد، خیر داد. آنگاه بشارت داد که این سختی‌ها با ظهور یکی از فرزندان من که هود نام دارد، برطرف خواهد شد. به همین شکل حضرت یوسف، بنی‌اسرائیل را به ظهور حضرت موسی، و حضرت عیسی مردم را به ظهور حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بشارت داد.

### ز- وقوع بشارت‌های انبیا، در امت‌های پیشین

ما معتقدیم بشارت‌های انبیا درباره‌ی آمدن حجت‌های موعود به وقوع پیوست. حجت‌های موعود، هر یک در زمان خود آمدند و در دوران ظهور آنان عذاب‌های خوارکننده و نیرومند الهی، کافران و ظالمان را در بر گرفت. در آن روزگاران، مؤمنان نیکوکار از حال ضعف بیرون آمدند و امانت و امکانات الهی بهره‌مند شدند.

در قرآن نمونه‌های بزرگی از عذاب دامنگیر الهی نقل شده که در تمام آنها حجت‌های خدا و شیعیانشان به سلامت مانده و از چنگ گردن‌قرازان ستمگر وارهیدند. به راستی که وعده‌های خدا انجام‌پذیر است.

### ژ- بعثت آخرین پیامبر

سرانجام آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، مطابق با بشارت حجت‌های پیشین و به

خصوص بشارات حضرت مسیح، در سرزمین حجاز، در نزدیکی کوه فاران، و در کنار باستانی‌ترین معبد زمین، یعنی کعبه ظاهر شد. ظهور او نویدی بزرگ برای منتظران نجات و تعالی‌های معنوی و مادی بود. در عین حال ظهور ایشان همراه بود با مخالفت‌های فراوان که یک به یک و با یاری‌های پی‌درپی پروردگار توانا در هم شکست. پیامبر و یاران او و نیز تمام کسانی که از گروه‌ها و ملت‌های گوناگون به او پیوسته بودند، در زمان حیات حضرت رسول تحقق بسیاری از وعده‌های الهی را یکی پس از دیگری دیدند و طعم شیرین پیروزی را در همان زمان اگر چه به صورت محدود چشیدند. مطالعه‌ی تاریخ حیات پیامبر، ما را با پیروزی‌ها و شادی‌های معنوی و مادی بسیار در آن روزگار آشنا می‌کند و شور و سروری عجیب در جان ما پدید می‌آورد.

### س - معرفی شدن جانشینان آخرین پیامبر

با نزدیک شدن زمان رحلت حضرت خاتم‌الانبیاء، آن حضرت به دستور خدا و مانند دیگر پیامبران، حجت‌های خدا و جانشینان خویش را مشخص فرمود. از آنجا که این رسول گرامی، آخرین پیامبر خدا بود، اوصیای ایشان تنها حجت‌های باقیمانده از سلسله‌ی حجت‌های الهی تا قیام



قیامتند، و ما امروزه در عصر امامت آخرین فرد از همین مردان الهی زندگی می‌کنیم.

یکی از پربرترین ثمرات مسلمان بودن این است که از طریق آشنایی با تعالیم رسول خاتم می‌توان راهی به سوی شناخت واپسین حجت‌های خدا و به خصوص حجت حیّ پروردگار در عصر حاضر پیدا کرد. ما شیعیان از این بابت که پیامبر بزرگ اسلام این بزرگ‌مردان ملکوتی را به ما معرفی فرموده، و به خصوص ما را با حجت حیّ خدا و امام زمانمان پیوند داده، از ایشان بسیار سپاسگزاریم و از خداوند می‌خواهیم که لحظه به لحظه بر عنایات خویش به این رسول گرامی و خاندان برگزیده‌اش بیفزاید. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد.

ما معتقدیم که خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، در معرفی اولین حجت خدا پس از خویش بسیار کوشید و بر بیان نام دلنشین ایشان، "علی" و لقب خاص و گرامی‌اش، "امیرالمؤمنین" به جهت رهنمایی حق‌جویان و اتمام حجت بر حق‌ستیزان تأکید بلیغ فرمود.

پیامبر در بازگشت از آخرین سفر حج خود، در محلی به نام "غدیر خم" از هزاران مسلمان حاضر، بر اطاعت کامل از این بزرگ‌مرد الهی بیعت گرفت. در این همایش بزرگ اسلامی، رسول خدا نه تنها بر معرفی امام و حجت پس از خویش، که بر

تداوم سلسله حجت‌های الهی تا قیامت تأکید کرده، مردم را به جدا نشدن از این سلسله‌ی پایدار سفارش نمودند.

بر اساس روایات فراوان که از رسول خدا درباره جانشینانشان رسیده، تعداد امامان پس از ایشان، **دوازده نفر** است. در این روایات از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که اولین آنها حضرت **امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب** علیه‌السلام است و آخرین آنها **مهدی آل محمد** صلوات‌الله‌علیه می‌باشد. این آخرین حجت، همان کسی است که بنا به وعده‌ی خدا و رسول، سرانجام قیام می‌کند، دین خدا را در سراسر زمین حکم‌فرما می‌سازد، نظام بندگی را در گیتی می‌گسترده و زمین را با نیرو و نصرتی که از جانب خدا دارد، از عدالت و امنیت لبریز خواهد کرد. **سلام خدا و درود ما بر او و تمام حجت‌های خداوند، پیش از او باد.**

### ش - پیشگویی پیامبر اسلام، درباره سرنوشت این امت

ما معتقدیم که پیامبر اسلام آینده امت خویش را مانند سرگذشت امت‌های پیشین دانسته است. آن حضرت آزمون‌های سختی را برای امت و در زمینه‌ی تعهد آنان با امامان خویش، پیشگویی فرمود. آن حضرت بیان کرد که امت اسلامی پس از رحلت ایشان دچار اختلاف و تفرقه می‌شوند و به سه دسته تقسیم می‌گردند:

۱- عده‌ای بر پیروی و حمایت از امامان خویش باقی می‌مانند.  
(که همان شیعیان هستند.)

۲- عده‌ای به تشکیل فرقه‌های مستقل و منافی با امامت حجت‌های خدا می‌پردازند.

۳- و عده‌ای دیگر از تصمیم‌گیری درباره حقیقت یا عدم حقیقت حجت‌های خدا کناره می‌گیرند و در این موضوع که مورد اختلاف امت واقع می‌شود، موضع خاصی را اتخاذ نمی‌کنند.

به فرموده‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، جدا شدن دو دسته‌ی اخیر از اوصیای پیامبر، از یک سو زمینه‌ی مظلومیت و غربت را برای امامان و شیعیان پابرجای ایشان و از سوی دیگر زمینه‌ی بدبختی و نکبت را برای جداشدگان، فراهم می‌آورد.

#### ص - شیعه بودن، شرط نجات از هلاکت و عقوبت الهی

ما معتقدیم که پیامبر خدا، تنها به گروه اول از سه گروه امت، بشارت قطعی و وعده حتمی مبنی بر نجات از هلاکت و عقوبت‌های الهی داده است.

آن حضرت گروه دوم را اهل هلاکت قطعی و مشمول غضب حتمی پروردگار دانسته است.

بنا بر تعالیم دینی، درباره گروه سوم که "ضالین" یعنی اهل حیرت و گمراهی خوانده می‌شوند، وعده و وعید قطعی صادر نشده و حکم قطعی درباره‌ی آنها تنها در قیامت و به اذن خداوند صادر می‌شود. این گروه سوم همان کسانی هستند که نمی‌دانیم آیا خداوند اجازه شفاعت درباره آنها را به شفیعیان می‌دهد یا آنکه آنها را به واسطه گناهانشان به آتش خواهد افکند.

خلاصه آنکه تنها گروهی که به یقین اهل نجاتند، شیعیان می‌باشند و دیگران یا اهل هلاکتند و یا درمانده در میانه‌ی بیم و امید خواهند بود؛ بیم‌ناک از عدل الهی و محاسبه‌ی سخت قیامت و امیدوار به بخشش الهی که موکول به شفاعت اولیای اوست.

#### ض - رابطه‌ی شیعه بودن با نجات یافتن

دانستیم که شیعه بودن یعنی داشتن پیوند با حجت زنده‌ی خدا که در شکل کاملش به صورت پیوند قلبی، زبانی و عملی تحقق می‌یابد؛ اما علت اینکه شیعه بودن و داشتن پیوند با حجت حیّ، عامل نجات خواهد بود، به حمایت‌هایی برمی‌گردد که از ناحیه‌ی خدا و حجت حیّ او به یک شیعه می‌رسد؛

حمایت‌هایی که مخصوص شیعیان است و دیگران از آن‌ها محرومند.

برای درک نیاز ضروری انسان‌ها به این گونه حمایت‌ها می‌بایست از خطر دشمنی که در کمین ماست و بدون اینکه ما او را ببینیم ضربه‌اش را به ما می‌زند آگاه شویم.

خداوند در کتاب‌های آسمانی خویش به ما خبر داده که دشمنی کینه‌جو و سرسخت به نام **«شیطان»** داریم. شیطان بر آن است که در دل فرزندان آدم به هر حيله که ممکن شود رهی باز کند و آنان را چون خویشتن، مشمول غضب الهی سازد. ویژگی این دشمن چنان است که اگر کسی بدون حمایت خدا قصد پیکار با او را بکند، بی‌شک مغلوب او شده، هلاک خواهد گردید. در این حال است که ما معتقدیم خداوند برای حمایت از بشر در برابر حملات شیطان، قلعه و پناهگاهی محکم قرار داده و ورود در این پناه‌گاه را راه نجات از این دشمن فریبنده معرفی کرده است.

بتا بر تعالیم دینی، این دژ نجات‌بخش حریم حجت حیّ خداوند است و پذیرش ولایت او در حکم ورود به این دژ می‌باشد. خداوند به کسانی که ویژگی‌های یک شیعه‌ی راستین را داشته باشند، پناه می‌دهد و آنها را تحت حمایت خویش می‌گیرد.

شیعیان راستین کسانی هستند که:

- ۱- وصی پیامبر و حجت زمان خویش را می‌شناسند؛
- ۲- خود را به اطاعت از او موظف می‌دانند؛
- ۳- در اصلاح امور خویش به او متمسک می‌شوند؛
- ۴- و در حمایت و یاری از او کوتاهی نمی‌کنند.

پیامبر خدا پس از آنکه حضرت علی علیه‌السلام را به عنوان وصی خود به امت معرفی کرد، از امت خواست که همواره از آن امام حمایت کنند. سپس پیامبر از خداوند خواست که یاری‌گران وصیش را یاری کند و آنهایی را که دست از حمایت وصی او برمی‌دارند، به حال خویش واگذارد و از آنها حمایت نکند. این دعا در مورد دیگر اوصیا و نیز دیگر مسلمانان جاری است و خداوند حمایت از کسانی را که حامی حجتش نیستند، تکفل نکرده است. بدین ترتیب هر کس که حجت زمان خود را نشناسد، با او پیوند نداشته باشد، و خود را حامی او نداند، نمی‌تواند توقع برخورداری از حمایت‌های الهی را داشته باشد. چنین شخصی مانند اهل جاهلیت بر لبه پرتگاه هلاکت زندگی می‌کند و چنانچه بمیرد مانند آنها خواهد مرد.

به عکس، مادام که کسی امام زمان خویش را بشناسد و در کنار قرآن به او متمسک باشد، به ضمانت پیامبر از راه راست منحرف نخواهد شد و شیطان نخواهد توانست که او را به وادی هلاکت بکشاند؛ چنین شخصی حتی اگر در حمله‌ای از حملات شیطان آسیب ببیند، مولایش به نجات او می‌شتابد و آسیبش را جبران خواهد کرد.

ما معتقدیم که امام، در هر زمان متکفل اداره‌ی امور و تربیت کسانی است که به ایشان مراجعه کنند و از او کمک بخواهند. حجت حیّ خدا که واسطه فیض الهی است، از نور علوم ربّانی خویش بر قلب چنین اشخاصی می‌تاباند و باب فهم آنها را نسبت به حقایق می‌گشاید، برداشت‌های ایشان را از حقایق عالم و به خصوص از متون دین (شامل کلام خدا، سنت پیامبر و گفتار جانشینان ایشان) تصحیح می‌کند و در مقابل موج تحریف‌ها و شبهه‌ها به دفاع از ایشان برمی‌خیزد.

ما معتقدیم که امام هر زمان، با عنایت‌های مستقیم و غیرمستقیم خویش دین و ایمان شیعیان خود را حفظ می‌کند. البته در این دریای بهره‌وری، هر کس به میزان مراجعه و توسّلی که به امام خود دارد، از برکات او بهره‌مند می‌شود و



بدین ترتیب میزان استفاده‌ی شیعیان نیز از امامشان یکسان نیست.

در نهایت باید گفت نه بشارت‌های بزرگ خداوند مبنی بر قبولی اعمال، اجابت حتمی دعاها، مغفرت و نادیده گرفتن گناهان کوچک، آرامش در قبر و عالم برزخ، ایمنی از جزع و فزع و صحنه‌های هراسناک قیامت، ورود بدون حسابرسی و معطلی به بهشت، و برخورداری تضمینی از مواهب بهشتی، موکول به عبادت خدا در پرتو هدایت حجت او و به شرط رعایت حق ولایت اوست. آیات و روایات فراوان گویای این حقیقت است که بدون ایمان و تمسک به حجت حیّ خداوند، هیچ کس مشمول این بشارت‌ها نمی‌شود.

#### ط - امام زمان، بزرگترین نعمت خدا به مردم هر زمان

در متون دینی از حجت حیّ و امام زمان با عنوان "بزرگترین نعمت خدا" یاد شده است. اگر کسی به آثار و برکات عظیم و فراوانی که خداوند در وجود حجت حیّ خویش قرار داده، توجه کند، درستی این تعبیر را تصدیق می‌کند. پیشتر و در ابتدای نوشته دانستید که حجت حیّ سبب بقای حیات بر روی زمین، موجب دوام رحمت و واسطه‌ی نزول رزق و روزی به بندگان است. در بندهای گذشته نیز با امام حیّ به عنوان عامل حیات

معنوی، سبب نجات دنیوی و اخروی، و شرط بهره‌مندی از بشارات بزرگ الهی آشنا شدید.

چنین است که امام، بزرگترین نعمت خدا برای مؤمنان است و از این روست که باید بیش از پیش قدر او را بدانیم و از بابت وجود او بر روی زمین خدا را سپاس بی‌اندازه بگذاریم.

#### ظ - عقیده به امام حی، شرط اساسی برای شیعه بودن و نجات

بنا بر آنچه گذشت، روشن شد که شناخت حجت حیّ زمان و پیوستن به او شرط شیعه بودن و به تعبیر دیگر شرط هدایت و نجات از فتنه‌ها است.

برخی از مورخان در تقسیم‌بندی فرقه‌ها، هر کسی را که پس از پیامبر به امامت حضرت علی علیه‌السلام معتقد باشد در گروه شیعیان قرار می‌دهند، ولو آنکه او امام زمان خود را نشناسد، یا حتی منکر او باشد؛ اما باید دانست که اعتقاد به امامت حضرت علی علیه‌السلام پس از پیامبر، اگرچه شرط لازم برای شیعه بودن می‌باشد، ولی شرط کافی برای آن نیست.

در دیدگاه پیامبر و امامان شیعه، شیعه‌ی رستگار و اهل نجات به کسی گویند که در هر زمان علاوه بر عقیده به امامت امامان پیشین، امام زمان خود را نیز بشناسد و او

را به عنوان حجت خدا و امام خویشتن پذیرفته باشد. بر این مبنا زیدی‌ها، اسماعیلی‌ها و واقفی‌ها از شیعیان رستگار به شمار نمی‌آیند و از ثواب و آثار شیعه‌بودن بی‌بهره‌اند. اینان گروه‌هایی هستند که امامت چند امام نخست را پذیرفته بودند، اما هر کدام در یک دوره‌ی زمانی دچار فتنه و امتحان شدند، به طوری که امامت امام زمان خود را منکر گردیدند و از همان زمان مسیر خود را از صراط مستقیم و پیروی دین حق جدا کردند. با این تعریف هیچ کدام از فرقه‌های مورد اشاره جزو فرقه‌ی نجات‌یافته به شمار نمی‌روند و امامان شیعه سعادت‌مندی آنها را به هیچ وجه تصدیق نمی‌کردند.

#### ع - حجت حیّ و امام زنده‌ی روزگار ما

ما معتقدیم که امام زمان و حجت حیّ خدا در این روزگار، فرزند بزرگوار امام حسن عسکری علیه‌السلام است. او هم‌نام رسول خدا و هم‌کنیه با ایشان است. امام زمان ما، دوازدهمین جانشین پیامبر اسلام و واپسین حجت از حجت‌های الهی‌ست. امروزه ملاک شیعه بودن اعتقاد به ایشان و پیوند داشتن با آن حضرت است.

بنا به تعالیم آسمانی، در این زمان تنها کسانی مشمول بشارت‌های قطعی الهی در زمینه نجات و هدایتند که به آن

حضرت معتقد باشند، خود را تحت حمایت ایشان قرار دهند و نسبت به رفع گرفتاری‌ها و تعجیل در فرج ایشان حساس بوده، برای آن دعا کنند.

ما معتقدیم کسی که امامان گذشته را قبول دارد، اما امامت این بزرگوار را انکار می‌کند، شرط اساسی برای شیعه بودن را ندارد و از مسیر هدایت و نجات خارج شده است. مثال این گروه بهائانی هستند که بنا به ادعایشان، امامت یازده امام پیشین شیعه را قبول دارند، اما به هر طریقی که بشود منکر امامت امام زمان خود می‌شوند و از اعتقاد به امامت او روی برمی‌تابند. اینان نیز مانند دیگر گروه‌ها منحرف شده‌اند و ادعای آنان مبنی بر اعتقاد به پیامبر اسلام و یازده جانشین نخست او، تازه اگر واقعی هم باشد، سودی برایشان نخواهد داشت.

غ - امام زمان ما، موعود امت نیز هست.

ما معتقدیم که امام و مولای زمان ما علاوه بر مقام "امامت"، دارای مقام دیگری نیز هست که "مهدویت" یا "قائمیت" نامیده می‌شود؛ بدین معنا که ایشان منجی موعود امت و مهدی قائم از خاندان پیامبرند. رسول اکرم وعده داده که سرانجام آن حضرت با اذن و نیروی خداوندی قیام می‌فرماید و پروردگار به دست او جهان را لبریز از عدل و داد می‌سازد، به

مؤمنان نیکوکار رهایی و عزت، و به کافران ستم‌پیشه عذاب و ذلت خواهد داد.

پیشتر دانستیم که خداوند اراده کرده که در تمام امتهای پس از مهلتی اندک که به کافران و ظالمان می‌دهد، طعم خواری را به آنها بچشاند و دست ستم آنان را از سر بندگان صالحش کوتاه کند.

دانستیم که خداوند یاور بندگان و پناه آنها در ضعف و بی‌کسی است و نمی‌گذارد که گردونه‌ی روزگار همواره به کام دشمنانش بچرخد. دانستیم که خدا زمین را از آن خود می‌داند و اراده کرده که آن را سر انجام به دست بندگان صالح و با تقوایش بسپارد.

خواندید که پیامبران گذشته، پس از پیش‌بینی دوران‌های سخت که پیش روی اوصیا و شیعیان آنها بود، بشارت موقتی بودن حکومت ظالمان را، به امت ابلاغ می‌کردند و به آنها نوید آمدن حجت موعودی را می‌دادند که از حمایت‌ها و یاری‌های الهی برخوردار است.

اینک خاطر نشان می‌کنیم که این حجت موعود و این امام پیروز در امت خاتم، حضرت خاتم‌الوصیا، فرزند امام عسکری، امام مهدی علیه‌السلام می‌باشد.

حجت موعود و منجی پیروز در امت‌های پیشین معمولاً رسول آینده بود، اما از آنجا که در امت خاتم، انتظار رسول دیگر بی‌معناست، مسؤولیت نجات مؤمنان صالح به عهده‌ی آخرین وصی پیامبر خاتم نهاده شده است. از این رو حضرت مهدی علیه‌السلام، اگر چه پیامبر نیست و دین جدیدی نمی‌آورد، از بابت اظهار پیروزمندان‌هی دین خدا، بازگرداندن عزت به مؤمنان، به هلاکت افکندن کافران و ظالمان، و نیز یاری شدن از سوی پروردگار، مأموریتی شبیه مأموریت پیامبران را بر عهده دارد و همچون آنان به هنگام ظهور خویش از جانب خدا حمایت می‌شود.

او می‌آید و به آیین خداپسند نیای خویش حیات مجدد می‌دهد و به علاوه آن را در سراسر گیتی و بر تمام ادیان چیره می‌سازد.

#### ف- ضرورت آشنایی با حضرت حجه‌بن‌الحسن

بنا بر اعتقاد ما و با توجه به آنچه پیش از این بیان شد، آشنایی با حضرت حجه‌بن‌الحسن از دو جهت اهمیت دارد؛ یکی به واسطه اینکه ایشان حجت حی خدا و امام زمان ماست و دیگر بدین جهت که ایشان مهدی موعود ما (بلکه موعود پیامبران و

ادیان پیشین) می‌باشد. در بخش‌های آینده‌ی این نوشته، با این امام و موعود الهی بیشتر آشنا می‌شویم.





فصل دوم:

مشخصات تاریخی

زندگانی امام زمان علیه السلام

### سرآغاز

آشنایی تاریخی با زندگی امام زمان علیه السلام بخشی از دانستی‌های مربوط به ایشان را تشکیل می‌دهد. در این فصل به برخی از نکات تاریخی درباره‌ی آن حضرت اشاره می‌کنیم.

الف - نام مقدس امام زمان

نام مقدس آن حضرت، نام گرامی پیامبر اسلام است. در برخی روایات، شیعیان از تسمیه‌ی ایشان نهی شده‌اند. برخی منظور از تسمیه را بردن نام ایشان دانسته‌اند، اما برخی دیگر این نظر را درست ندانسته و مقصود از تسمیه را اشاره کردن به آن حضرت به صورت صریح و نشان دادن ایشان در مجامع عمومی دانسته‌اند.

ب - مشهورترین القاب امام زمان

مشهورترین القاب امام زمان "مهدی"، "قائم"، "حجه‌الله"، "بقیه‌الله"، "صاحب‌الامر" و "صاحب‌الزمان" می‌باشد.

پ - پدر گرامی امام زمان

پدر بزرگوار ایشان، امام حسن عسکری علیه‌السلام یعنی یازدهمین امام شیعه است.

ت - مادر گرامی امام زمان

مادر گرامی ایشان، حضرت نرجس خاتون، نوه‌ی قیصر روم و از خاندان جناب شمعون، وصی حضرت عیسی است. آن بانو به شوق دیدار و وصلت با خاندان پیامبر اسلام و با ترتیبی خاص،

در قالب اسیران جنگی به سرزمین مسلمانان آمد و به ازدواج با امام حسن عسکری علیه السلام مفتخر گردید. آن بانو از امام عسکری علیه السلام صاحب فرزندی شد که بناست شرق و غرب عالم را فتح کند و در سراسر زمین، عدالت، امنیت و عبودیت را گسترش دهد.

#### ث - محل تولد امام زمان

محل تولد آن حضرت، یعنی شهر سامرا از شهرهای عراق کنونی است. شهر سامرا امروزه زیارتگاه شیعیان است، زیرا منزل پدری، خانه‌ی شخصی و عبادتگاه دوران کودکی امام زمان علیه السلام در آنجا قرار دارد. به علاوه پدر و پدربزرگ امام زمان، یعنی امام حسن عسکری و امام هادی علیهما السلام در همان منزل مدفون هستند. همچنین مقبره‌ی ترجس خاتون مادر امام زمان و حکیمه خاتون خواهر بزرگوار امام هادی در همان محل قرار دارد.

#### ج - تاریخ ولادت امام زمان

تاریخ ولادت حضرت حجت، سحرگاه جمعه، نیمه‌ی ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری است. به هنگام تولد این بزرگوار

معجزاتی رخ داده است که شباهت ایشان را با دیگر حجت‌های خداوند اثبات می‌کند.

عمه‌ی امام عسکری علیه‌السلام (یعنی حکیمه خاتون) که آن شب در منزل ایشان حضور داشت، برخی از آن معجزات الهی را برای شیعیان نقل کرده است. از جمله آنکه به جهت حفظ جان این مولود موعود، تا لحظه‌ی ولادت، آثار بارداری در مادر امام زمان دیده نمی‌شد، چرا که حکومت وقت به شدت از خانه‌ی امام عسکری علیه‌السلام مراقبت می‌کرد تا چنانچه فرزندی برای ایشان متولد شود، سریعاً به قتل برسند. علت این کار ترس حاکمان وقت از پیشگویی‌هایی بود که توسط پیامبر درباره‌ی حضرت مهدی شده بود. آنها به شدت احتمال می‌دادند که مهدی موعود فرزند امام عسکری علیه‌السلام باشد. مادر امام زمان از این جهت که بارداری پنهانی داشته‌اند، شبیه مادر حضرت موسی می‌باشد.

### چ - عمر شریف امام زمان

عمر شریف ایشان، هم‌اینک بیش از هزار و صد سال است. آن حضرت تمام این دوران به معجزه‌ی الهی زنده مانده است تا در زمان مناسب، قیام جهانی خویش را به امر خدای متعال به ثمر رساند.

ایشان در دوران طولانی قبل از قیام، همچون پدران خود، حافظ دین اسلام و مکتب تشیع است و در حال حاضر نیز این مسئولیت را بر عهده دارد. **عمر بلند آن حضرت در روایات اسلامی به عمر طولانی حضرت نوح تشبیه شده است.**

### ح- سیمای امام زمان

سیمای آن حضرت شبیه سیمای جد بزرگوارش یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. بر گونه‌ی راست ایشان خالی هست که بسیار جلب توجه می‌کند.

از خصوصیات جالب آن حضرت این است که -به قدرت خدای متعال که بر هر کاری تواناست- با مرور ایام پیر نمی‌گردد و در تمام عمر چهره‌ی ایشان شکسته و فرتوت نمی‌شود. کسانی که ایشان را ببینند گمان می‌کنند که آن حضرت حدود چهل سال یا کمتر دارد. جوانی و نشاط آن حضرت از علائم مشخصه‌ی ایشان و باعث دمیده شدن روح زندگی و تلاش در دل شیعیان و خدمتگزاران آن حضرت است.

### خ- زندگی امام زمان در زمان حیات پدر

مدت زندگی آن حضرت هم‌زمان با حیات پدر، حدود ۵ سال بود. امام حسن عسکری علیه السلام در این دوران، بارها آن حضرت



را به شیعیان خاص خود معرفی کرده، به آنها فرمود که این پسر، پس از من امام شماست. امام یازدهم گاهی پاسخ برخی سوالات شیعیان را به حضرت حجت ارجاع می‌داد تا شیعیان از علم الهی آن بزرگوار آگاه شوند و به خاطر کمی سن در امامت ایشان تردید نکنند.

در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری قمری، حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام به زهر خلیفه‌ی عباسی مسموم شد و به شهادت رسید، در حالیکه بیش از ۲۸ سال از حیات پیر برکتشان نگذشته بود. از آن زمان، فرزند ایشان امامت امت را به عهده گرفت و از جانب خدا مسؤولیت حفظ دین و حمایت از شیعیان را پذیرا گشت.

#### د- شیوه‌ی زندگی امام زمان تا زمان قیامشان

شیوه‌ی زندگی آن حضرت تا زمان قیامشان به صورت ناشناس است. یعنی هنگامیکه مردم آن حضرت را می‌بینند، ایشان را نمی‌شناسند. به این شیوه‌ی زندگی در اصطلاح روایات "غیبت" گفته می‌شود. در روایات اسلامی، غیبت آن حضرت از مردم به غیبت حضرت یوسف از برادرانش تشبیه شده است.

غیبت حضرت مهدی علیه‌السلام در دو دوره واقع گردیده است. دوره‌ی اول که به غیبت صغرا معروف است، کوتاه‌تر از دوره‌ی

دوم بود. غیبت صغرا از سال ۲۶۰ آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ادامه یافت. در این دوران تنها شیعیان خاص حضرت مهدی، ایشان را می‌دیدند و با ایشان ارتباط حضوری داشتند.

**نواب اربعه**، چهار تن از شیعیان خاص بودند که واسطه‌ی ارتباط دیگران با امام به شمار می‌رفتند و مرتباً نامه‌ها و پیامهایی از جانب امام برای شیعیان و از جانب شیعیان برای امام می‌بردند و می‌آوردند. نام این چهار نایب بدین قرار است:

۱- عثمان بن سعید عمروی

۲- محمد بن عثمان عمروی

۳- حسین بن روح نوبختی

۴- علی بن محمد سیمری

با وفات چهارمین نایب خاص، دوران غیبت صغرا تمام شد و عصر غیبت کبرا آغاز گردید که تا زمان قیام امام زمان ادامه خواهد داشت.

در این دوران کسی جز خدمتگزاران خاص امام عصر با ایشان ارتباط حضوری ندارد و بیشتر کسانی که توفیق دیدار آن حضرت را پیدا می‌کنند، ایشان را نمی‌شناسند. در دوران غیبت کبرا هیچ فرد خاصی به عنوان رابط بین امام و مردم تعیین نشده و وجود ندارد. شیعیان در این دوران موظفند که ضمن توسل به ساحت مقدس امام خود، به **عالمان**

و فقهای باتقوی و راویان احادیث ائمه رجوع کنند و سؤالات دینی خود را از ایشان بپرسند.

یکی از حوزه‌های فعالیت امام زمان در عصر غیبت آن است که همواره فقهای باتقوی و خدمتگزار خود را حمایت کرده، در مشکلات علمی و مسائل عقیدتی به طور مستقیم و غیرمستقیم راهنمای آنان می‌باشد. البته رسم مراجعه به فقها مربوط به دوران غیبت نیست و در روزگار امامان پیشین نیز، شیعیان هر دیار در مسائل دینی خود به عالمان شیعه‌ی حاضر در آن سرزمین مراجعه می‌کردند.

در این جا تذکر این نکته ضروری است که در دوران غیبت، همواره باب توسل و ارتباط معنوی امت با امام زمانشان باز است و غیبت آن حضرت باعث نمی‌شود که شیعیان نتوانند به امام خویش توجه کنند، ارادت خود را به او عرضه نمایند و مشکلات خویش را اگر چه از راه دور با ایشان در میان بگذارند. نیز غیبت باعث نمی‌شود که امام از شیعیانش به دور افتد، از احوال آنها بی‌اطلاع بماند و در رسیدگی به مشکلات آنها کوتاهی کند.

در دوران غیبت بیشتر مردم قدر امام زمان را نمی‌دانند، حقوق ایشان را ادا نمی‌کنند و چنانکه باید و شاید انتظار روزی را نمی‌کشند که آن حجت یگانه‌ی پروردگار، بر مسند اداره‌ی جهان بنشیند.

ما معتقدیم اگر آن حضرت در چنین شرایطی ظاهر شود و خود را معرفی کند، چه بسا که از جانب مردم در مقابل حکومت‌های ظالم و خونخواران جاه‌طلب به اندازه کافی حمایت نشده، مانند پدران برگزیده‌ی خویش کشته خواهد شد. اما از آنجا که ایشان تنها بازمانده از جانشینان پیامبر است، باید زنده بماند تا سرانجام وعده‌ی خدا را در به قدرت رساندن مؤمنان نیکوکار و پر ساختن دنیا از عدل و داد و خالی شدن زمین از ظلم و جور عملی سازد. به همین دلیل آن حضرت از جانب خدای متعال موظف است که تا زمان قیام جهانی خود به طور ناشناس زندگی کند و در عین ناشناسی وظایف خود را در سمت امامت به انجام رساند.

#### د- زمان قیام امام زمان

وقت قیام آن حضرت همانند زمان قیامت مشخص نیست و علم آن نزد خداست و خداوند برای هیچ کس حتی پیامبر و جانشینانش آن زمان را مشخص نکرده است. در حقیقت وقت ظهور آن حضرت در همان هنگام که فرمان قیام صادر شود، مشخص می‌گردد. کسی نمی‌داند، شاید آن زمان بسیار نزدیک باشد و لذا همواره باید چشم‌انتظار آن لحظه بود.

یکی از دلایل نامعین بودن زمان قیام آن حضرت این است که طولانی شدن دوران غیبت، روح امید و نشاط را از شیعیان نگیرد. دلیل دیگر این امر آن است که مؤمنان به دعا برای تعجیل آن زمان مشتاق تر شوند، زیرا بنا به تعالیم پیامبر و ائمه، دعای مؤمنان در این زمینه بسیار مؤثر است و خداوند دوست دارد که مردم به جهت دعا کردن و انتظار فرج با پروردگار خود ارتباط گرفته، از او کمک بخواهند.

در آیات و روایات برای دعا و انتظار فرج، آثار و برکات فراوان ذکر شده است، به خصوص اگر آن دعا، دعایی برای فرج مولا و آن انتظار، انتظار فرارسیدن گشایش در کار او باشد. آگاهی از آثار و برکات نهفته در این کار، اشتیاق هر شیعه‌ای را به دعا و انتظار چندین برابر می‌کند. برخی از آثار و فواید دعا برای این امام قائم در کتاب شریف **مکیال المکارم** که ظاهراً به اشاره‌ی خود امام زمان نگاشته شده مذکور است.

### ر- محل ظهور امام زمان

مکان ظهور آن حضرت شهر مکه می‌باشد. امام زمان در کنار خانه‌ی مقدس خدا یعنی کعبه ظاهر خواهد شد. ایشان به هنگام ظهور به دیوار کعبه تکیه می‌دهد و خود را به جهانیان معرفی می‌کند. در آن هنگام صدای آن حضرت را همه‌ی مردم خواهند

شنید. سیصد و سیزده تن از شیعیان برگزیده از اقصا نقاط جهان، به سرعت در مکه حاضر می‌شوند و با امام بیعت می‌کنند. این افراد پرچمداران و فرماندهان سپاه حضرت مهدی خواهند بود. سپس گروه‌های دیگری از منتظران به سوی مکه سرازیر می‌شوند و آنگاه قیام آن حضرت علیه ظالمان و نابکاران شروع می‌شود.

### ز- پیروزی آن حضرت

از ویژگی‌های قیام حضرت مهدی علیه‌السلام شکست‌ناپذیری آن در تمام جبهه‌هاست.

یکی از عوامل پیشرفت و پیروزی آن حضرت آن است که حقایق ناگفته و پنهان، توسط ایشان برای مردم حقیقت‌جو آشکار می‌شود و همه به روشنی درمی‌یابند که ایشان حجت راستین خدا و نماینده‌ی حقیقی پروردگار و شایسته‌ی رهبری جامعه‌ی انسانی است.

آشکار شدن اشیائی آسمانی همچون عصای موسی و تابوت عهد توسط ایشان، دلیلی دیگر بر الهی بودن آن حضرت خواهد بود. آگاهی از دانش منحصر به فرد امام درباره‌ی مکان این اشیا به ویژه برای یهودیان و مسیحیان بسیار تکان‌دهنده خواهد بود.

آگاهی امام از امور مخفی و پنهانی سبب می‌شود که آن حضرت به حق و به تصدیق همگان به عنوان "مهدی" یعنی "هدایت شده توسط خدا" شناخته شود.

نزول حضرت عیسی از آسمان که قرن‌هاست مسیحیان در انتظارش هستند، و اقتدای ایشان به امام مهدی علیه‌السلام موج دیگری را در گرایش مسیحیان به امام عصر ایجاد می‌کند.

روشن است که همگان حق طلب نیستند و با امام درگیر خواهند شد. سودجویان منافعشان را در خطر می‌بینند، حسودان امام را رقیب خود می‌پندارند و افراد متعصب بنای مخالفت را با اصلاحات امام علیه‌السلام می‌گذارند. در زمان قیام امام زمان مهلت این گونه افراد به پایان رسیده و آن حضرت مأمور است که به آنان مهلت ندهد. پس پیکاری بی‌وقفه با آنان آغاز خواهد شد و کار یکسره می‌شود. این نوع از مأموریت نیز باعث پیشروی سریع سپاه امام عصر خواهد شد.

از سوی دیگر خداوند به وسیله‌ی لشگرهایی از ملائکه و ترسی که در دل دشمنان آن حضرت می‌اندازد، امام را یاری می‌کند و هر گونه مانعی را از پیش روی ایشان بر می‌دارد.

در نتیجه‌ی علل و عوامل یادشده، در مدتی اندک تمام زمین به تصرف ایشان و یاران شجاع و پرهیزگارشان در می‌آید.

ژ- حکومت امام زمان

حکومت ایشان محدود به بخش خاصی از جغرافیای زمین نیست، بلکه شرق و غرب عالم را فرامی‌گیرد.

مردم در زمان ایشان به عبادت خدا، نیکوکاری، خیر و صلاح رو می‌آورند، امام زمان، دست عنایت الهی را بر سر مردم می‌کشد و عقلهای آدمیان شکوفا و اندیشه‌های ایشان بارور و متحرک می‌شود. کینه از دلها بیرون می‌رود و محبت، غنا و قناعت جایگزین آن می‌شود. هرکس به حق خود می‌رسد و به واسطه‌ی اجرای شدید عدالت، دیگر کسی دست ظلم و تعدی به سوی دیگری دراز نمی‌کند. به برکت حکومت امام زمان، درهای نعمت از آسمان و زمین به روی مردم باز می‌شود و خبری از فقر، بیماری، قحطی و ناامنی نخواهد بود. زمین در آن روزگار، طلایی‌ترین روزهای خود را خواهد دید.

س- فاصله‌ی دوران حکومت امام زمان تا قیامت

میان دوران حکومت امام زمان تا برپایی قیامت فاصله‌ای است که آن را دوران رجعت می‌نامند. بنا به عقیده‌ی شیعه که ریشه در قرآن دارد، روزگار شیرین عدالت تنها نصیب کسانی که در زمان ظهور حضرت مهدی زنده‌اند نمی‌باشد. گروهی از مؤمنان برگزیده و نیکوکار که در قرنهای گذشته ستم کشیدند و هرگز عزت و امنیت شایان خود را ندیدند، به همراه امامان مظلوم



خود، (مثلاً امام حسین علیه السلام) دوباره زنده می‌شوند و وارث حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌گردند. آنها در این دوره، زمین خدا را می‌بینند که در اختیار پرهیزگاران قرار گرفته و شاهد تحقق وعده‌های الهی خواهند بود.

هم‌زمان با رجعت و بازگشت این مؤمنان ستم‌دیده به دنیا، شماری از سرکردگان کفر و ظلم، و کسانی که در معصیت، ستمکاری و دشمنی با مؤمنان راسخ بودند، به دنیا برگردانده شده، در مقابل چشم مؤمنان طعم هلاکت و خواری را می‌چشند. یکی از تفاوت‌های دوره‌ی رجعت با دوران قیامت در این است که در قیامت تمام افراد بشر بدون هیچ استثنا محشور می‌گردند، حال آن که در عصر رجعت تنها بخشی از مردم محشور می‌شوند. خداوند متعال عصر رجعت را در قرآن روزگاری خوانده که در آن از هر امت تنها گروهی، محشور می‌گردند.

تعیین ویژگی‌ها و مشخصات دقیق و طول دوران رجعت از میان انبوه آیات و روایاتی که مربوط به آن دوران و دورانهای قبل و بعد از آن است، کار دشواری است. همین قدر می‌دانیم که حکومت مستضعفان (یعنی حکومت مؤمنان صالحی که پیشتر در ضعف و فشار به سر می‌بردند) با درگذشت حضرت مهدی علیه السلام پایان نمی‌پذیرد، بلکه این حکومت پرشکوه با رجعت و بازگشت گروه‌هایی از پیشینیان به دنیا، تا دامنه‌ی قیامت ادامه خواهد یافت.

فصل سوم:

کمالات و ویژگی‌های

امام زمان علیه‌السلام

سرآغاز

ما معتقدیم که امام زمان ما - که درود بی پایان خدا بر او باد - مانند دیگر امامان و حجت‌های الهی دارای کمالات و ویژگی‌هایی است که ایشان را از دیگر افراد بشر ممتاز می‌کند. آن حضرت در برخی از این صفات برجسته با دیگر حجت‌های الهی (اعم از پیامبران و اوصیا) شریک است، و در برخی دیگر از نوعی ویژگی

برخوردار می باشد. در این فصل به برخی از این ویژگی ها و کمالات (چه مشترکات و چه اختصاصات) اشاره می شود، به امید اینکه ذکر این مناقب و فضایل، سبب افزایش معرفت و محبت ما نسبت به این بزرگمرد الهی گردد. بی شک ما افتخار می کنیم که پیرو این ابرمرد والامقام، این وارث فضائل پیامبران و این ولی برگزیده ی خدا هستیم.

#### الف- نیاکان آن حضرت

امام زمان ما علیه السلام، فرزند بزرگان و برگزیدگان عالم است. پدران ایشان هر یک یگانه ی عصر خویش بوده اند. به خصوص باید به یاد داشت که ایشان فرزند حضرت خاتم الانبیا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است. **حضرت مهدی ارواحنا فداه، چه از نظر سیرت و چه از بابت سیما شبیه ترین افراد به رسول خداست و کسی که ایشان را ببیند، گویی رسول خدا را دیده است.** گوشت و خون آن حضرت، از گوشت و خون پیامبر است. خلق و خو و سیره ی ایشان نیز، خلق و خو و سیره ی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را تداعی می کند. به یقین هر مسلمانی آرزو دارد که سیما و سیرت پیامبر خود را در چهره و رفتار فرزند برگزیده اش به تماشا بنشیند و ما نیز از این قاعده بر کنار نیستیم.

ب- نورانیت و کمال روحی آن حضرت

خداوند به بندگان برگزیده‌اش، یعنی به حجت‌های خویش در طول روزگار مقامات ملکوتی و نورانی، و کمالات معنوی و روحانی فراوان عطا کرده است. امام زمان ما نیز بدان روی که یکی از حجت‌های خداست صاحب چنان کمالاتی است.

به علاوه باید بدانیم که درجات روحی و کمالات الهی حجت‌های الهی یکسان نیست. مطابق برخی دلایل و شواهد، مقامات نورانی و روحانی امام زمان ما - که درود فراوان خدا بر او و پدرانش باد - در میان دیگر حجت‌های الهی به شکل ویژه‌ای برجسته و مورد توجه است؛ چندانکه در عالم ملکوت و در منظر ملائکه‌ی مقرب، نور ایشان نسبت به انوار دیگر حجت‌های الهی، درخششی چشمگیر دارد. بی‌جهت نیست که بنا به روایات فراوان، پیامبر اولوالعزمی همچون حضرت عیسی به هنگام نزول از آسمان به ایشان اقتدا می‌کند، و امام والامقامی همچون امام صادق علیه‌السلام خود را آرزومند خدمت‌گزاری آن حضرت برای تمام عمر می‌داند. لازم به یادآوری است که در زمینه‌ی مقامات روحانی هیچ کس، حتی حضرت مهدی علیه‌السلام به درجه‌ی حضرت خاتم‌الانبیاء نمی‌رسد.

به سبب تعالی روحی ویژه‌ای که حضرت مهدی علیه‌السلام دارند، دیگر ویژگی‌های ایشان نیز (از قبیل

علم و قدرت الهی) در حدّ اعلاست و لذا برای کسانی که به وجود جنبه‌های فوق‌العاده در زندگی پیامبران و برگزیدگان خدا باور دارند، جایی برای شگفت‌زده‌گی و استبعاد درباره‌ی دیگر ابعاد شخصیتی امام زمان وجود نخواهد داشت.

#### پ- علم و دانش آن حضرت

امام زمان ما جانشین بزرگ‌ترین پیامبر خداست و مانند ایشان از سوی پروردگار بر مردم سراسر عالم امامت و ولایت دارد. بدین روی ضروری است که آن حضرت دانا به تمام علوم مورد نیاز بشر باشد. از این رو و نیز به دلایل دیگر خداوند حکیم (مثلاً به جهت تکریم امام) دانش‌های ویژه‌ای را در اختیار ایشان قرار داده است. احاطه به این علوم دلیل و برهان حقانیت آن حضرت و امامان پیش از ایشان است.

برخی از ابعاد علم امام زمان علیه‌السلام بدین قرار است:

- (۱) در عصر حاضر ایشان تنها کسی است که از شأن نزول، تفسیر و تأویل، و رموز تمام آیات قرآن به طور دقیق آگاه است و برای ایشان هیچ نکته‌ی مبهمی در کتاب عظیم الهی وجود ندارد.

(۲) هیچ کس همچون ایشان به سنت پیامبر آگاه نیست. علم به سنت دقیق و همه جانبه‌ی پیامبر با تمام نکات و ظرافت‌هایش نزد ایشان است.

از آنجا که امام به توفیق الهی از اسرار کتاب خدا و سنت رسول اکرم آگاه است و نسبت به دقیق‌ترین نکات اعتقادی و اخلاقی و ریزترین احکام عملی دین، اشراف و احاطه دارد، گذشت ایام و تحریف‌های آگاهانه یا جاهلانه باعث نمی‌شود که حقیقت دین بر ایشان مخفی بماند. یکی از دلایل نامیده شدن ایشان به لقب **مهدی** همین امر است.

(۳) ملائکه هر ساله در شب قدر، بر ایشان نازل می‌شوند و تقدیرات سال آینده، حوادث آتی و احکام الهی درباره‌ی تمام رویدادهای آن سال را برای ایشان می‌آورند. مخفی نماند که این ملائکه، وحی جدیدی در زمینه‌ی تغییر آیات قرآن به همراه ندارند، چرا که وحی آیات قرآن با وفات پیامبر پایان پذیرفته و دیگر آیه‌ای به کتاب خدا اضافه یا از آن کم نخواهد شد. آنچه که این ملائکه می‌آورند تفسیر و تأویل آیات قرآن و بیان مصادیق احکام الهی در جزء جزء حوادث سال جاری است.

(۴) از ویژگی‌های جالب و منحصر به فرد امام زمان، تسلط ایشان به همه‌ی زبانهای عالم است. این دانش اعجاب‌انگیز از جانب خدای متعال به آن حضرت داده شده و نشان صدقی بر امامت ایشان است. سبب اعطای این دانش به امام زمان آن است که خداوند ایشان را بر همه‌ی مردم حاکم گردانیده، پناه، گواه و تکیه‌گاه تک تک مردم قرار داده است. کسی که چنین مسؤولیت گسترده‌ای دارد باید دانش ارتباط با امت را نیز دارا باشد. چگونه می‌شود کسی پیشوا، راهبر و پناهگاه جمعی باشد اما سخن آنها را نفهمد و نتواند پاسخشان را بگوید. نه تنها امام زمان ما، بلکه همه‌ی امامان قبل از ایشان قدرت سخن گفتن به زبان‌های گوناگون را داشته‌اند و داستانهای جالبی در این باره از آنها نقل شده است.

(۵) در هر هفته (به خصوص در عصر دوشنبه و پنج‌شنبه) اعمال مردم به محضر آن بزرگوار عرضه می‌شود و ایشان نسبت به اعمال آنها احاطه‌ی علمی پیدا می‌کند. آن حضرت به خصوص در نامه‌ی اعمال شیعیان خود می‌نگرد، از اعمال نیکوی ایشان شاد شده، از اعمال زشت آنها غمگین و آزرده می‌گردد و برایشان استغفار می‌کند.



۶) خداوند به آن حضرت، دانشی گسترده داده که هر گاه اراده کند می‌تواند تمام عالم را در زیر احاطه علمی خویش بگیرد. آن حضرت از این بابت "عین الله الناظره فی خلقه" یعنی چشم بینای خدا در میان خلقش نامیده می‌شود. ایشان از رهگذر همین احاطه‌ی علمی، قادر است که شیعیان خویش را تحت تربیت مداوم خود قرار دهد.

#### ت- قدرت آن حضرت

ما معتقدیم که خدای تعالی به حجت گران پایه‌ی خویش قدرت‌های روحی و ملکوتی ویژه عطا کرده است همان گونه که قبلاً نیز از این نوع قدرت‌ها به دیگر حجت‌های خود عطا کرده بود. آن حضرت با استفاده از چنان قدرت‌هایی می‌تواند عالم را زیر و رو کند، دشمنانش را در هم بشکند، دوستانش را به عزت رساند و هر قید و بندی را از پیش پای خویش بردارد. اما اگر او به محض مواجهه با هر مشکلی از آن قدرت‌ها بهره بگیرد، عمق خوبی‌خوبان و نیز ژرفای شقاوت زشت‌سیرتان روشن نخواهد گشت، زیرا دیگر مهلتی برای شقاوت‌مندان باقی نخواهد ماند تا شدت یاغی‌گری خویش را اثبات کنند. هم‌چنین زمینه‌ای برای مؤمنان

نخواهد بود تا سختی‌ها و مرارت‌ها را در راه خدا به جان بخرند و نشان دهند که چه بسیار به خداوند و به حق پایبندند.

بر این اساس خداوند اراده کرده که امام زمان علیه‌السلام از آن قدرتهای ملکوتی تا مدتی طولانی در جهت یک سره کردن کار عالم استفاده نکند، بلکه عموماً مانند یک بشر عادی که گاهی در قوت و گاهی در ضعف است، در جریان عادی اجتماع حضور یابد. در این شرایط او با حمایت‌های مردمی قوت می‌یابد و با خیانت‌های مردمی دچار ضعف و انزوا می‌شود.

امام علیه‌السلام از آنجا که بنده‌ی راستین خداست جز به اراده‌ی او رفتار نمی‌کند و حتی در حالیکه دشمن بر او و یاران او می‌تازد، (به جز در مواردی که خدا بخواهد) دست به اندوخته‌های ملکوتی خویش نمی‌یازد و با بهره‌گیری از آن قدرت الهی در روند آزمون صبر و پایداری وقفه ایجاد نمی‌کند.

بله، سرانجام زمانی فرا خواهد رسید که اراده‌ی خداوند به هلاکت نابکاران و خاتمه‌ی مهلت آنان تعلق می‌گیرد. آن زمانی است که امتحان الهی به اوج خودش رسیده و مؤمنان راستین و مدعیان دروغین ایمان از هم جدا شده‌اند. در آن زمان حاجت خدا به اذن او، از تمام گنجینه‌های قدرت خویش در به عزت رساندن خوبان و به ذلت کشاندن نابکاران بهره خواهد برد.

بدین ترتیب اگر بخواهیم که کمال قدرت امام زمان را شاهد باشیم، باید توفیق درک زمان ظهور ایشان را پیدا نماییم. در اینجا به دو جلوه از قدرت مافوق طبیعی آن حضرت به هنگام ظهور اشاره می‌کنیم:

(۱) امام زمان علیه‌السلام به هنگام ظهور خود، میراث‌های

آسمانی و نیروبخش انبیا را همچون عصای

حضرت موسی، انگشتر حضرت سلیمان و پرچم

پیامبر اسلام آشکار ساخته، از آنها استفاده می‌کنند.

(۲) امام عصر به هنگام قیام خویش، سپاهی از

فرشتگان نیرومند را به یاری خواهد گرفت.

فرشتگانی که در نبرد بدر به یاری پیامبر اسلام

صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند، در این گروهند.

بهره‌گیری کامل امام از قدرتهای ملکوتی به هنگام ظهور

خواهد بود، اما آن حضرت پیش از ظهور کلی خویش نیز

به اذن الهی و به صورت محدود از چنان قدرتهایی

استفاده می‌کند. اظهار این قدرت فوق‌العاده، اولاً دلیل امامت و

رابطه‌ی ویژه‌ی ایشان با خدای سبحان است. ثانیاً لازمه‌ی غوث

بودن ایشان است. خدا آن حضرت را "غوث" یعنی پناه

بندگان درمانده‌ی خویش قرار داده و هر گاه که بخواهد

کسی را پناه دهد، از ناحیه‌ی این خلیفه‌ی الهی به او یاری می‌رساند. چنین کسی را نسزد که ناتوان و کم‌نیرو باشد.

به دلایل فوق، امام عصر ارواحنا فداه از قدرت‌های معجزه‌آسایی که خداوند به انبیا و دیگر حجت‌های برگزیده‌اش عطا کرده برخوردار است و حتی پیش از قیام خویش گهگاه آنها را ابراز می‌کند.

مثلاً طی الارض یا درنوردیدن زمین با سرعت بسیار زیاد، قدرتی بود که خداوند به اصف‌بن برخیا، وزیر و وصی حضرت سلیمان عطا کرده بود و امام زمان علیه‌السلام از آن برخوردار است و گهگاه از آن بهره می‌گیرد.

شفا دادن به بیماران لاعلاج که خداوند قدرت آن را به حضرت عیسی داده بود، جنبه‌ای دیگر از قدرت ایشان است، و بارها شده که آن حضرت چنین قدرتی را از خود ظاهر ساخته و بیمارانی را که به ایشان متوسل بوده‌اند، به اذن الهی شفا داده‌اند. ناپدید شدن از انظار عمومی قدرت دیگری است که خداوند توان آن را به رسول گرامیش داده بود، و اینک امام زمان از آن بهره‌مندند.

کسانی که به قرآن و به قدرت بی‌انتهای خدا معتقد باشند و به خصوص از سرگذشت برگزیدگان الهی آگاه باشند، امکان بهره‌مندی یک انسان برگزیده را از تمامی این قدرت‌ها به خوبی

درک می‌کنند. به علاوه بسیاری از کسانی که در طول حیات امام زمان علیه‌السلام به محضر ملکوتی ایشان بار یافته‌اند، چنین قدرتهایی را به هنگام تشرّف از ایشان دیده و گزارش کرده‌اند.

علاوه بر تمام آنچه گفته شد، قدرت جسمانی ویژه، جلوه‌ای دیگر از نیرومندی این حجت الهی است. آن حضرت از لحاظ جسمی و ظاهری نیز بسیار قوی است و حتی در میان ائمه علیهم‌السلام از نوعی امتیاز برخوردار است، طوری که بنا بر بعضی روایات اگر ایشان بر هر درخت ریشه‌دار دست بيفکنند، می‌تواند آن را از بیخ و بن درآورد، و چنانچه در میان کوه‌ها فریاد بلند خویش را آشکار سازد، کوه‌ها و صخره‌ها به لرزه می‌افتند. قدرت جسمی ویژه‌ی این امام والامقام، تنومندی خداداد طالوت، پادشاه بنی‌اسرائیل را به یاد می‌آورد.

در اینجا باز یادآور می‌شویم که مرور بر حکایات قرآن درباره‌ی حجت‌های الهی و نیز توجه به قدرت بی‌پایان خداوند، درک نیروهای شگفت‌انگیز امام عصر را بر ما آسان می‌کند و ما را در فهم جنبه‌ی الهی و ملکوتی این ابرمرد یاری می‌کند. ما افتخار می‌کنیم که چنین امام و چنین پناهی داریم.

ث - مهربانی و رأفت آن حضرت

مهربانی و رأفت آن حضرت، دو نوع است؛ رحمت عام و رحمت خاص.

مهربانی و رحمت عام آن بزرگوار، همه‌ی عالم را در بر گرفته است، زیرا ایشان واسطه‌ی فیض خدا در عصر حاضر و برای تمام مخلوقات است. از امام زمان در روایات با لقب "الرحمه الواسعه" یعنی رحمت گسترده و دربرگیرنده، و نیز با عنوان "رحمه للعالمین" یعنی رحمت برای تمام عالم‌ها، یاد شده است.

از جلوه‌های رحمت عام ایشان، خیرخواهی آن حضرت برای همگان حتی دشمنان خویش است. خیرخواهی برای دشمن رسم دیرینه‌ی خاندان نبوت است. از دیگر جلوه‌های رحمت عام ایشان پذیرش توبه‌ی توبه‌کاران به هنگام ظهور است که نمونه‌ی شگفتی‌آور آن در برخورد ایشان با اهل مکه روایت شده است.

اما مهربانی خاص آن حضرت در رابطه با شیعیان و کسانی است که به ایشان متمسک و ملتجی‌اند. این جنبه از رحمت امام به مهربانی مادر نسبت به نوزاد خود تشبیه شده که از بارزترین نمونه‌های محبت و رأفت است.

برخی از جلوه‌های رحمت خاص این امام مهربان بدین قرار است:

(۱) بسیار می‌شود که امام برای رفع گرفتاریهای دنیوی و اخروی دوستان خود، بیش از آنها خود را به زحمت می‌اندازد. آن حضرت برای آمرزش گناهان شیعه استغفار و برای برآورده شدن حاجات آنها دعاهای خالصانه و برای تسهیل امور زندگی آنها اقدامات عملی می‌فرماید. این شیوه، راه و رسم پسندیده‌ی تمام امامان شیعه بوده است.

(۲) از رأفت و مهربانی آن حضرت است که بی‌توجهی شیعه به ایشان باعث نمی‌شود که امام نیز آنها را از یاد ببرد، بلکه آن مولای مهربان همواره بیش از شیعه به یاد آنهاست. چه بسیار بلاهایی که با اقدامات ایشان از شیعیان برطرف گردیده و خود آنان مطلع نبوده و نیستند.

(۳) از مهر و عطوفت امام زمان علیه‌السلام نسبت به دوستان خود چنین است که آن حضرت از خداوند خواسته که اگر ارزش اعمال محبتانش چندان نبود که لایق بهشت گردند، از پاداش عبادات و سختی‌هایی که خود آن حضرت در راه خدا کشیده، برداشته و در نامه‌ی اعمال مؤمنان کم‌عمل گذارده شود.

اینها تنها نمونه‌هایی از محبت خاص امام زمان علیه‌السلام به شیعیان خویش است و گرنه در وادی محبت هزاران چشمه‌ی جوشان وجود دارد که وصف آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

### ج- جمال و زیبایی آن حضرت

جمال و زیبایی آن حضرت در حدیثی به زیبایی حضرت یوسف تشبیه شده است. کسانی‌که آن حضرت را در دوران غیبت دیده‌اند، از ملاحظت و زیبایی بی‌نظیر ایشان خبر داده‌اند.

### چ- سخا و کرم آن حضرت

یکی از صفات امام زمان سخا و کرم فوق‌العاده‌ی ایشان است. آن حضرت تنها درخواست دوستان خود را اجابت نمی‌کند، بلکه حتی اگر دشمنان کمکی از ایشان بخواهند پاسخ خواهند شنید. امام زمان کریمی است از خاندان کریمان و از کریمان جز این انتظار نمی‌رود.

کسانی که در دوران غیبت به امام زمان متوسل شده‌اند، با شیوه‌ی کریمانه‌ی آن بزرگوار آشنایند. روایات نیز حاکی از آن است که امام زمان بعد از ظهور خویش بخششی بی‌نظیر به نیازمندان خواهند داشت و همه را با عطایای خویش شادان و بی‌نیاز خواهند کرد.



ح- صبر آن حضرت

صبر امام زمان به **صبر حضرت ایوب** تشبیه شده است. دوستان نادان، دشمنان دانا، عالمان بی پروا و جاهلان پارسانما، همه و همه زندگی را بر ایشان و شیعیان خالصشان تلخ و تیره می‌سازند. آن حضرت سالهاست که ملزم به سکوت در مقابل تمام این فشارها و آزارهاست.

از یک سو بی تفاوتی و کناره‌گیری مردم از ایشان، و از سوی دیگر حکمت و عهد الهی ایشان را مأمور به صبر کرده و به ایشان اجازه‌ی قیام و اعتراض علنی نمی‌دهد. علاوه بر این‌ها بیش از هزار سال است که خدا به ایشان وعده‌ی فرج و یاری داده و آن حضرت همواره از خدا خواسته که آن یاری موعود را نصیب ایشان سازد؛ اما خداوند بنا به حکمت‌های خویش، هنوز یاری‌های موعود را برای ایشان محقق نساخته است.

تأخیر در اجابت دعای آن حضرت، باعث نگشته که صبر و تحمل ایشان لبریز شود و از شوق و رغبت ایشان در دعا کاسته گردد. کدام‌یک از ماست که تا این حد توان صبر و انتظار داشته باشد؟ **آن حضرت صبورترین بنده‌ی خدا و بهترین الگوی صبر و انتظار است.**

ما معتقدیم که روزی دعای امام زمان اجابت خواهد شد، و فرج و یاری الهی به سوی ایشان سرازیر می‌گردد. **ایشان بنده‌ی**

مستجاب الدعوهی خداست، با این حال می‌دانیم که چه بسا بنده‌ی مستجاب‌الدعوه‌ای که خداوند دعای او را پس از سالها اجابت می‌کند و در این فاصله او را مأمور به صبر کرده، به واسطه‌ی صبر طولانی و ایمان راسخش به او پاداش عظیم می‌بخشد.

#### خ- هیبت و جلالت آن حضرت

امام زمان نه تنها جلوه‌گاه رحمت و رأفت خداست، که مظهر هیبت و جلالت الهی نیز هست. ایشان وارث جلالت پدران خویش و وارث هیبت و حشمت پیامبران خدا است. خداوند به حجت‌های خود جنبه‌هایی از جلالت و هیبت عطا کرده بود که چون تجلی می‌کرد، دوست و دشمن در مقابل آنها خاضع می‌شدند. به عنوان مثال پدر امام زمان، یعنی امام حسن عسکری علیه‌السلام به صفت هیبت شهره بود، و با آن که آن حضرت سن کمی داشت، همه‌ی بزرگان در برابر ایشان کوچکی می‌کردند.

کسانی که به شرف ملاقات امام زمان، چه در دوره‌ی کودکی ایشان و چه در دوره‌های بعد نائل شده‌اند از جلالت و مهابت شگفت‌انگیز ایشان خبر داده‌اند.

زندگی و سیره و رفتار آن پیشوایان گرامی بپردازید و در آینه‌ی  
شخصیت و کمالات آن بزرگواران، صفات نیکوی امام زمان  
خویش را به تماشا بنشینید.

فصل چهارم:

وظایف امت،

نسبت به امام زمان علیه السلام

### سرآغاز

ما معتقدیم که مردم نسبت به امام خود وظایفی بر عهده دارند و می‌بایست بدان‌ها عمل کنند. این تکالیف که بر دوش مردم هر زمان نسبت به امامشان است، از مهمترین عباداتی است که خدای متعال از بندگان خواهان است. شیعیان افتخار دارند که

در زمینه‌ی عمل به این وظایف نسبت به تمام فرقه‌ها و گروه‌های دیگر امتیاز دارند.

البته شیعیان نیز در عمل به وظایف خویش دارای درجاتند. برخی از آنها پیشرو و مایه‌ی مباحثات بشرند و برخی دیگر دچار ضعف در عمل هستند. اگرچه این دسته از شیعیان در ادای وظایف خود نسبت به امام زمان کم و کاست دارند، با این حال یقین داریم که حتی همین دسته از شیعیان با دیگرانی که امام را نمی‌شناسند و امامت را از آن او نمی‌دانند و حتی گاهی وجودش را نیز انکار می‌کنند، قابل مقایسه نیستند.

شیعه در مقام عمل هر چه باشد، ویژگی‌اش این است که در مقام ایمان از دیگران کاملتر است و بدین لحاظ هر شیعه‌ای باید به تشیع خود افتخار کند. سزاوار است که دیگر طالبان سعادت نیز از این بابت به شیعه شدن رغبت ورزند. پس از تکمیل و تصحیح ایمان است که عمل صالح ارزش می‌یابد و خداوند عمل صالح را از غیر مؤمن نمی‌پذیرد. خدای متعال در آیات فراوانی از قرآن به دو رکن ایمان و عمل صالح در کنار هم اشاره کرده و به شکلی نمایانی ایمان را شرط قبول عمل صالح و مقدم بر آن ذکر فرموده است.

در میان اعمال صالح نیز اعمالی که مربوط به خود خداست، مانند نماز و اعمالی که مربوط به خلیفه‌ی اوست، برترین اعمال به شمار می‌روند.

ما در این فصل با برخی از این اعمال صالح که بیانگر وظایفمان نسبت به حجت حقیّ پروردگار است، آشنا می‌شویم.

### الف- شناخت امام زمان

بر همه‌ی مردم واجب است که امام زمان خود را بشناسند. این شناسایی شامل آگاهی از نام و همچنین آگاهی از برخی صفات و مختصات ویژه‌ی ایشان است. هر کس باید بداند که در زمان حاضر امامی که از ناحیه‌ی پروردگار برای او تعیین شده، دقیقاً چه کسی است و نیز باید بداند که آن امام به عصمت و نگهداری الهی، از هر خطا و لغزشی پاک و مبرا است و تمام آنچه که می‌کند و می‌گوید درست و صحیح است و بداند که او دارای علم و قدرت الهی است و از همه‌ی مردم زمان خود در تمام ابعاد برتر و داناتر است و نیز بداند که اطاعت از او بر همه واجب می‌باشد.

### ب- اقتدای به امام زمان و اطاعت بی چون و چرا از ایشان

بر مردم واجب است که امام زمان خود را مقتدا، صاحب اختیار و ولیّ امر خود بدانند و از تمام دستورهای ایشان اطاعت کنند، به آنچه ایشان از آن راضی است، عمل نمایند و از آنچه که ایشان نمی‌پسندد به شدت دوری گزینند.

تقیّد به احکام شرعی و به خصوص اجتناب از گناهان کبیره از مهمترین خواسته‌های آن حضرت، از شیعیان خویش است. در توقیعات رسیده از امام عصر بر رسیدگی به شیعیان ضعیف و پرهیز از انحراف‌های مالی بسیار تأکید شده است.

### پ- زیارت امام زمان

بر شیعیان هر زمان واجب است که قصد زیارت امام خود را بکنند و در صورت امکان به زیارت ایشان بشتابند. یکی از حکمت‌های مهم همایش حج در هر سال، پیدا شدن زمینه‌ای برای دیدار با امام زمان است.

در روزگار ائمه‌ی گذشته، شیعیان برای زیارت امامشان تلاش‌های فراوان می‌کردند و از بذل مال و عمر و حتی امنیتشان در این راه دریغ نمی‌نمودند. به خصوص ایام حج، فرصتی بسیار مغتنم جهت دیدار با امام بود.

در روزگار غیبت گرچه باب زیارت جسم شریف امام زمان به کلی بسته نیست، توصیه به تلاش در جهت این گونه زیارت نشده است. در عوض بر عرض سلام و زیارت از راه دور تأکید شده است. ما در این زمان، به زیارت امام زمان توسط زیارات رسیده، هم‌چون زیارت آل یسّ توصیه شده‌ایم. بله، ضروری نیست که جهت زیارت امام و نجوا با ایشان، حتماً با



زبان عربی با ایشان سخن بگوییم، بلکه چنانچه پیشتر ذکر شد، امام هر زمان با زبان یکایک امت آشناست. البته در این میان ویژگی زیارت‌های مأثور در این است که حاوی مضامین زیبا، بلند و مورد پسند هستند.

### ت- تمسک به امام زمان

بر امت مسلمان واجب است که جهت اصلاح تمام امور خویش به امام زمان خود مراجعه کرده، از ایشان کمک بگیرند. انجام این کار موکول به مراجعه‌ی حضوری جسمانی به محضر امام نیست، بلکه با توجه روحانی به روح قدسی امام نیز میسر است.

به خصوص باید به یاد داشت که غیبت امام از شیعیانش، نه یک غیبت همه جاییه، بلکه تنها غیبتی جسمانی است؛ لذا در ایام غیبت نیز می‌توان به ایشان مراجعه کرده، از ایشان بخواهیم که ما را تحت اشراف و تربیت روحانی و معنوی خویش بگیرد. هر قدر این مراجعه و تمسک بیشتر باشد، میزان استفاده ما از امام بیشتر خواهد بود.

### ث- خیرخواهی نسبت به امام و مقدم داشتن ایشان بر خود

بر همه‌ی مسلمانان واجب است که خیرخواه امام زمان خود باشند و هرگاه او را در فشار و دچار گرفتاری دیدند، برای حل

گرفتاری ایشان اقدام نمایند. حتی اگر در این راه، خود به سختی و فشار دچار گردند. به تعبیر دیگر **مسلمانان باید بهروزی مولای خود را بر بهروزی خویش ترجیح دهند و آسایش او را بر آسایش خود مقدم دارند؛** زیرا او در نزد خدا قدر و ارج بیشتری دارد و سزاوار نعمت های بیشتر است و نیز به برکت اوست که نعمت های الهی به دیگران می رسد؛ بدین ترتیب امام بر گردن همه ی خلق حق فراوان دارد.

#### ج - دوستی و دشمنی به خاطر امام

بر پیروان امام لازم است که حق محبت و دوستی را نسبت ایشان به جا آورند. از شرایط دوستی بنا امام آن است که اولاً دوستان و محبان او را به خاطر او دوست بدارند و از خطای آنان به حرمت محبت به مولا درگذرند و ثانیاً یا دشمنان و منکران امام خود دوست نباشند و از مخالفان او و طرفداران مخالفان آن حضرت برائت جویند.

#### چ - شاد کردن امام و پرهیز از اندوهگین کردن ایشان

از راههای شاد کردن امام زمان، عبادت خدا و پیروی دقیق از سنت پیامبر صلوات الله علیه وآله و اطاعت از او امر ائمه علیهم السلام است. خداوند ما را در قرآن به این شیوه ی زندگی

فراخوانده و سعادت ما را نیز در این کار دانسته است. امام زمان هم از این جهت که حق خدا و رسول با اطاعت از ایشان ادا شود و هم از این بابت که ما با عمل به احکام دین به سعادت و قرب الهی برسیم، شادمان می‌گردد.

از دیگر راههای شاد ساختن امام زمان، هدیه دادن به ایشان است. وقتی می‌خواهیم به کسی هدیه دهیم، چیزی را به عنوان هدیه برمی‌گزینیم که شخص مورد نظر دوست دارد. بر هر شیعه لازم است که بداند امام او چه چیزهایی را دوست می‌دارد تا بتواند در شاد ساختن مولای مهربان خویش موفق شود. به عنوان یک اصل کلی باید دانست که در نظر امام معصوم ثوابهای اخروی بسیار ارزشمندتر از هدایای دنیوی است. لذا هر شیعه می‌تواند به انجام کارهای خیر و مستحب رو کند و ثواب کارهای مستحب خود را به مولای خویش هدیه کند.

راه سوم از راههای شاد کردن امام زمان، شاد کردن دوستان ایشان است. در روایات آمده هنگامیکه کسی مؤمنی را شادمان سازد، فقط او را مسرور نمی‌نماید، بلکه هم امام زمانش را و هم رسول خدا صلی الله علیه و آله را مسرور می‌سازد. رسیدگی به حال شیعیان از حساس‌ترین اموری است که مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است.

باری، هر یک از شیعیان، برای شادمان نمودن امام و پرهیز از اندوهگین ساختن ایشان، باید همواره مراقب باشد که از گناهان

بزرگ پرهیز کند و بداند آنچه او در میان جمع و حتی در پنهانی انجام می‌دهد، توسط ملائکه‌ی گماشته بر انسان‌ها نوشته می‌شود و هر هفته خبر و گزارش اعمال او به محضر رسول خدا و امام زمان عرضه می‌گردد و این علاوه بر اشراف جاری آن حضرت بر تمامی مردم است.

آن حضرت با دیدن عبادات و اعمال نیکوی شیعه‌ی خود شاد و با ملاحظه‌ی اعمال زشت و شتیع‌محبان خود دل‌آزرده و اندوهگین می‌گردد، به خصوص اگر ببیند که شیعیان در میان خود به خوبی رفتار نمی‌کنند، از خطاهای یکدیگر به خاطر خدا و رسول و به احترام امامشان نمی‌گذرند در اصلاح یکدیگر نمی‌کوشند، اتحاد و انسجام خود را در اجتماع حفظ نمی‌کنند و از خویشان نزد بیگانه شکوه می‌برند و بد می‌گویند. خطر این گونه رفتارها تا به آن حد است که ممکن است نوعی ناشکری و واپس زدن نعمت ولایت به حساب آید و انسان را به کلی از نعمت ولایت اهل بیت و امام زمان محروم ساخته، از حریم تشیع خارج سازد. آنگاه است که انسان یکه و تنها و بدون ولی الهی در وادی ضلالت وانهاده می‌شود.

### ح- انتظار حکومت امام زمان و آمادگی برای حمایت از ایشان

عزت، قدرت، حاکمیت و فرمانروایی در سراسر جهان شایسته‌ی خدا، پیامبر خدا و امام برگزیده از جانب اوست. با این حال پس

از رحلت رسول خدا به علت جاه‌طلبی منافقان، سکوت و بی‌تفاوتی مسلمانان، و حتی حمایت مردم سست‌ایمان از زورمداران، زمام قدرت و امر و نهی عمدتاً به دست خوبان شایسته و امامان برگزیده نیفتاد. به این ترتیب نه تنها خود مردم از عدالت و برکت حکومت ائمه بهره‌مند نشدند، خود آن بزرگواران که اصل و اساس خلقت و رکن و محور مخلوقاتند، بیش از دیگران در فشار و سختی قرار گرفتند.

ائمه علیهم‌السلام همواره به شیعه سفارش می‌کردند که به شرایط موجود دل خوش نکنند و همیشه منتظر روزی باشند که خداوند فرج و گشایش در کار آل‌محمد ایجاد کند و به ایشان اذن جهاد با غاصبان و غلبه بر آنها بدهد.

بنا بر این سفارش، بر همه‌ی شیعیان واجب است که روز و شب چشم به راه و منتظر قیام امام خود باشند، با خود نیت کنند که به محض آشکار شدن امام زمان و آغاز قیام ایشان، جان و مال و تمام دارایی خود را فدای او سازند و در راه به حاکمیت رساندن ایشان از بذل خون خویش دریغ نکنند.

آری، هر شیعه‌ای باید از شرایط موجود جهان همواره اندوهگین و غصه‌دار و به وضعیت آینده خوش‌بین و امیدوار باشد، زیرا می‌بیند که مردم جهان قدر امام خود را چنانکه باید و شاید

نمی‌دانند و او را بر خود ولایت و رهبری نمی‌دهند و زمام قدرت و فرمانروایی را در دست او نمی‌نهند و حتی کاری کرده‌اند که ایشان می‌بایست همواره در خوف، خفا و ناامنی به سر برد.

### خ- دعا برای رفع اندوه و غربت امام

وظیفه تمام مسلمانان است که نسبت به اندوه و غربت امام خود، متأثر و غمگین باشند و از خداوند متعال، خالصانه رفع غربت و پریشانی ایشان را تمنا کنند. به خصوص در روایات تأکید شده که برای تعجیل در فرارسیدن فرجی که به امام زمان علیه‌السلام وعده داده شده، زیاد دعا کنیم.

دعا، از مهمترین وظایف شیعه، در رابطه با امام زمان است و ما از خدا می‌خواهیم که توفیق دعا برای امام زمان را پیش از پیش به ما عطا کند.

به امید روزی که به اذن پروردگار،

ایام غیبت و غربت آن حضرت، سپری گشته،

لبخند شادی بر لبان مبارکش نقش بندد.